

کلیدهای نقد داستان

کلمه نقد، به تنهایی، یعنی «تشخیص خوب از بد». ۱ نقد، انتقاد، مُنقَد، مُنتقد، ناقد...هم خانواده هستند. از همه این کلمات مشهورتر، نزد شما، کلمه انتقاد است که شاید روزی چندین بار هم آن را به کار ببرید. انتقاد هم در حقیقت یعنی «آشکار کردن خوبی ها و بدی ها»؛ اما در بین ما، معنی «ایرادگیری» و «عیب جویی» تنها را پیدا کرده است؛ همان طور که بعضی ها گمان می کنند نقد هم یعنی همین. در حالی که این طور نیست. نقد قصه، شعر، نمایش نامه...را نقد ادبی می گویند. نقد ادبی یعنی نشان دادن قوت ها و ضعف های یک اثر ادبی (قصه، شعر، نمایش نامه...). همچنین، اگر «اثر»، نکات ظریف و پنهانی داشته باشد، نقد وظیفه دارد به خواننده کمک کند تا آن نکات پنهان را هم دریابد. نمی دانم تا به حال گذارتان به مغازه طلافروشی افتاده است یا نه؟ وقتی به آن جا قدم می گذارید، همه گوشواره ها، النگوها، دست بندها، انگشتری ها و... را مثل هم می بینید. به نظرتان می آید که از نظر جنس، با هم فرقی ندارد و اگر تفاوتی هم هست، در شکل ظاهری آنهاست؛ اما وقتی درباره قیمت آنها می پرسید، می بینید کلی با هم تفاوت دارند. مثلاً دوتا گوشواره، اندازه و وزن شان یکی است، اما گاه قیمت یکی، چند برابر دیگری است. از شنیدن این موضوع، تعجب می کنید، اما طلافروش برای شما توضیح می دهد که مثلاً گوشواره اولی، جنس طلایش خیلی بهتر از دومی است؛ عیارش هجده است؛ در حالی که عیار دومی چهارده است. البته، این که نتوانسته اید بفهمید کدام یک از گوشواره ها طلای بهتری دارد، تقصیر شما نیست. به راستی، تشخیص این موضوع برای من و شما مشکل است؛ اما خود طلافروش ها، با تجربه ای که دارند و روش های علمی ای که بلدند، به راحتی می توانند بفهمند که هر طلایی، عیارش چقدر است. چقدرش طلای خالص است و چقدر از فلزات دیگر در آن وجود دارد. این کار طلافروش ها، در حقیقت، نوعی نقد، است، منتها نه نقد ادبی. می گویند در قدیم، طلافروش ها، سنگ مخصوصی داشتند که به آن سنگ محک می گفتند. با مالیدن این سنگ به طلا، می فهمیدند که خالصی و ناخالصی آن چقدر است. بر همین اساس، امروزه، گاهی به جای کلمه نقد، اصطلاح محک زدن را هم به کار می برند. به بیانی دیگر، نقد ادبی، همان محک زدن آثار ادبی است. کار نقد ادبی، در حقیقت همان تعیین خالصی ها و ناخالصی های اثر ادبی است. چرا؟ برای آن که قدر و ارزش آن اثر ادبی را تعیین کند. خوب، چه طور می شود قدر و ارزش یک اثر ادبی را معین کرد؟ این کار، مرحله هایی دارد. یعنی قدم به قدم باید جلو رفت.

مرحله های مختلف نقد: فرض کنید می خواهیم قصه ای را نقد کنیم. اگر قصه، ساده و راحت باشد، که در آغاز، کار ما هم راحت است؛ اما اگر پیچیدگی هایی داشته باشد، باید قبل از هر چیز، چه کار کنیم...؟ بله...آن را خوب بخوانیم و خوب بفهمیم؛ آن قدر خوب، که تقریباً هیچ نکته آن از نظرمان پنهان نماند. ۲. باید بفهمیم که نویسنده با نوشتن آن قصه، چه می خواسته بگوید؟ اگر در نوشته، راز و رمزی وجود دارد، آن را بشکافیم و آشکار کنیم. این شاید اولین و تقریباً مهم ترین کار در نقد یک قصه باشد. اگر کسی این قدم را درست برداشت، می توان امیدوار بود که قدم های بعدی را هم درست بردارد. در غیر این صورت، نه! زیرا کسی که منظور و هدف قصه را درست نفهمیده است، چطور می تواند آن را ارزش گذاری کند؟ (البته همان طور که اشاره شد، همه قصه ها، از این نظر، دارای پیچیدگی نیستند.) یکی دیگر از قدم های مهم در نقد این است که ببینیم؛ آیا نویسنده، توانسته است منظورش را درست به خواننده اش برساند یا نه؟ همچنین، این نکته را بررسی کنیم که نویسنده، تا چه حد از آثار نویسندگان هم دوره یا قبل از خود، تأثیر گرفته است؟ یا آن که، تا چه حد در آثار نویسندگان هم عصر یا پس از خود، تأثیر گذاشته است. آن گاه ببینیم: خوبی ها و بدی های آشکار و پنهان قصه چیست؟ زیبایی ها و زشتی های آن کدام است؟ نویسنده،

چه نوآوری ها و ریزه کاری های هنری در نوشتن آن به کار برده است؟ و... بعد از همه این کارها ست که می توان قدر و قیمت هنری آن قصه را تعیین کرد. بنابراین،

- اولاً: نقد کار چندان ساده ای نیست.
- ثانیاً: تنها عیب جویی و ایرادگیری از یک قصه را نمی توان نقد آن قصه نامید (مگر آن که قصه، هیچ خوبی و زیبایی ای نداشته باشد).

نکته های کلیدی برای نقد داستان: برای نقد سالم و جامع از یک داستان باید خواننده آن شرایطی داشته باشد از جمله: داشتن مطالعه بسیار در زمینه داستان و بحثهای نظری « تئوری » راجع به آن، برخورداری از ذوق هنری سالم تربیت یافته و غنی شده و هوش، دقت نظر و تیز بینی لازم در این مورد. مواردی که باید در هنگام انجام یک نقد سالم در نظر داشت چنین است:

1. مخاطبان اثر چه کسانی هستند؟ « خردسالان ، کودکان ، نوجوانان، جوانان یا بزرگسالان که از نظر موضوع و محتوا و از نظر ساختار داستان هر کدام از این گروهها دارای تفاوتهایی هستند و خصوصاً تی ویژه دارند».
2. نوع داستان د رچارچوب کدامیک از مکتبهای ادبی نوشته شده است؟ « کلاسیک ، رمانتیک ، واقعیتگرا، روانشناختی » و از نظر نگاه به مسایل از چه نوع است؟ «کمدی ، علمی -تخیلی یا تاریخی ، پلیسی - جنایی و یا انواع دیگر آن
3. درونمایه اثر چه مطلبی را می خواسته بگوید و انگیزه نویسنده از نوشتن آن چه بوده است؟ یکی از صاحب نظران در این باره سخنی خواندنی دارد . او می گوید «: ابلهان اثری را می خوانند و چیزی از آن نمی فهمند . اشخاص عامی گمان می کنند که آن را کاملاً در یافته اند ، صاحبان عقل سلیم گاهی همه آن را نمی فهمند ، آنان نکات مبهم و تاریک را تاریک می یابند و نکات روشن را روشن می بینند و اشخاص پر مدعا ، اصراردا رند که نکات روشن را تاریک جلوه دهند و نکاتی را که کاملاً واضح و قابل فهم است ، نفهمند» .
4. قضاوت ارزشی در باره محتوا و پیام داستان که آیا بینش تازه ای نسبت به زندگی به خواننده می دهد؟ آیا ضد ارزشبود آموز برای مخاطب نیست؟
5. آیا اسم داستان متناسب با موضوع و محتوای اصلی آن هست؟ آیا تازه و بدیع و جلب کننده هست؟ آیا پیرنگ داستان و بویژه پایان آن را لو نمی دهد؟
6. شخصیت اصلی داستان کیست و شخصیتهای فرعی کدامند؟ آیا این شخصیتها واقعی هستند یا قالبی و کلیشه ای؟ کدامیک از شخصیتها در طول داستان تحول می پذیرند و این تحول آیا منطقی جلوه می کند یا غیر واقعی؟
7. زاویه دید یا شیوه بیان به کار رفته در داستان چیست؟ « اول شخص مفرد ، دانای کل مطلق ، دانای کل محدود ، تک گویی نمایشی ، تک گویی درونی نامه نگاری ، دفتر خاطرات ، ترکیبی و غیره»
8. آیا نثر داستان با موضوع و حال و هوای آن مناسبت دارد؟ آیا به اندازه کافی صمیمی و خودمانی است؟ آیا نثر صحیح و فاقد غلطهای نگارشی و دستوری هست؟
9. میزان کار خلاقانه و تخیل به کار گرفته شده از سوی نویسنده چه قدر است؟ در واقع نقد یک داستان ، چیزی نیست مگر کشف و ارزشیابی اینکه نویسنده در آن اثر می خواسته است چه بگوید، نشان دهد، یا القا کند و بررسی اینکه در بیان و نشان دادن آنچه مورد نظرش بوده ، تا چه حد موفق شده است . همچنان که منتقدان ، از نویسنده داستان توقع دارند که

هنگام خلق اثرشان، حداکثر دقت، نظم و هماهنگی و سلیقه را مد نظر داشته باشند، خوانندگان نقد نیز از منتقد انتظار رعایت همین موارد را در نقدش دارند.

نویسنده: محمدرضا سرشار

پی نوشت:

۱. البته نقد به معنی های دیگری هم به کار رفته است؛ اما چون آن موردها به بحث ما مربوط نمی شود، از آنها در می گذریم.

۲. البته بعضی آثار ادبی، بسیار عمیق و گاه پیچیده هستند. در بررسی این گونه آثار، ممکن است هیچ کس به تنهایی نتواند تمام اسرار آن را کشف کند؛ اما در آثار خاص کودکان و نوجوانان، معمولاً به چنین نوشته هایی بر نمی خوریم.

منبع:

بیابید ماهی گیری پیاموزیم، رضا رهگذر، ص ۱۴ الی ۱۷.